

هویت ایرانی - اسلامی شهر تهران در گذر زمان

* مریم سادات رضوی پور

** محمد مهدی ذاکری

*** احسان جباری

E-mail: razavipour_ms@yahoo.com

E-mail: info@zakeri.com

E-mail: e.e.jabbari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۷

چکیده

انسان بنا به خصلت ذاتی خود همواره در پی تمایز از دیگران و جاودانه بودن می باشد. ازین رو اصالت و هویت از مسائلی است که در بسیاری از حوزه های علمی مرتبط با انسان توجه خاص بدان شده است، معماری و شهرسازی به دلیل تأثیرپذیری مستقیم از باورها و اندیشه های انسانی از جمله این موارد است. ویژگی ها و خصوصیتی که برخاسته از باورها و بایدهای نشأت گرفته از ایرانی و اسلامی بودن است، از جمله اصلی ترین عوامل هویت ساز شهر تهران به شمار می رود. برای درک روند تغییرات هویتی تهران باید به بررسی چگونگی عوامل هویت ساز پرداخت در این نوشتار پس از بررسی معنای هویت از دیدگاه اندیشمندان و شهرسازان به بیان ویژگی های ایرانی و اسلامی سازنده شهر تهران پرداخته می شود. وجود یا عدم وجود این ویژگی ها در ساختار شهر تهران ما را به چگونگی سیر تحول هویت ایرانی اسلامی این شهر در گذر زمان رهنمون می شود. مقایسه ای بر پایه ویژگی های هویت ساز ایرانی اسلامی میان بناهایی که به عنوان نماد تهران در طی زمان شناخته شده اند، درک تغییرات هویتی را تسهیل می کند.

کلید واژه ها: تهران، هویت ایرانی اسلامی، معماری و شهرسازی، زمان.

تغییرات هویتی.

* کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، نویسنده مسئول

** کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

تمایل به حفظ اصالت و ارتباط با ریشه و نسب از ویژگی‌هایی است که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند اما در عین حال انسان بنا به خصلت کمال‌جوی خود همواره در جست‌وجوی چیزی است که نو باشد. ازین‌رو گاه در راستای نیل به کمال مطلوب از خویشتن دور می‌شود و روی به سوی غیر خود می‌نهد و آنقدر در این امر افراط می‌ورزد که بیگانه می‌شود با آنچه بود و اصل وجودی خود را از دست می‌دهد. این از خودبیگانگی در بسیاری از عرصه‌های زندگی نظیر هنر، و به خصوص مسائل فرهنگی نظیر آداب و رسوم، طرز پوشش، رفتار، نحوه سخن گفتن رخ می‌نماید یکی از این عرصه‌ها که شکل‌گیری آن بسیار تحت تأثیر اندیشه‌ها و آرمان انسانی است معماری و شهرسازی می‌باشد لذا این از خود بیگانگی می‌تواند معماری و شهرسازی را به سوی بی‌هویتی سوق دهد.

فرهنگ ایرانی با قدمتی چند هزار ساله و اسلام با غنای خود در تمام زمینه‌ها همواره به عنوان اصل و مرجع نقش بزرگی در شکل‌گیری باورها و هویت این مرز و بوم داشته است به گونه‌ای که هنر و معماری ایران زمین همواره دارای الگوی خاصی بوده است که آن را از سایر سرزمین‌ها متمایز کرده است، از این روست که وجود یا عدم وجود هویت در معماری و شهرسازی به عنوان نشانه‌ای از توجه خالقان آن به اصالت خود حائز اهمیت است.

هنگامی که سخن از هویت شهر می‌رود، بدو تمایز شهر از غیر شهر و یا از دیگر شهرها مطرح می‌گردد، تمایزی ناشی از تفاوت فرهنگ، طبیعت، اقتصاد و کلیه ارکان شهری، که بدان شکل ویژه‌ای می‌بخشد. شهر تهران در طی زمان تغییرات فراوانی به لحاظ جمعیت، فرهنگ، شکل کالبدی و... را به خود دیده است، این تغییرات سبب شکل‌گیری این سؤال در ذهن می‌شود که آیا تهران امروزی با تصویری ایرانی اسلامی در اذهان عموم شکل می‌گیرد یا تصور تهران در پیش‌ش‌های ذهنی ادراک محیط از کانالی عبور می‌کند که با کانال تصور دیگر شهرها یکی است؟

بدین جهت است که هویت ایرانی اسلامی به عنوان عامل تشخیص این مرز و بوم از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود، موضوعی که باید در تمام عرصه‌های عمومی و خصوصی، فردی و جمعی معماری و شهرسازی تجلی یابد. بحران هویت منتج از تفکر مدرن و... موضوع حفظ هویت را به چالشی عظیم در دوران معاصر بدل کرده است

سالیان دراز انسان‌ها می‌ساختند و می‌زیستند بی‌آنکه از معماری، بجز معماری انتظاری داشته باشند، اما امروز روزی است که معماری و شهرسازی برای شناسایی فرهنگ و اصالت خود به دیگران و نمایاندن ارزش‌ها و باورهای غنی ایرانی اسلامی به تمام جهانیان، باید زبان گویای شهر باشد.

شناخت عناصر هویت‌ساز ایرانی اسلامی و به کارگیری آنها در طراحی و ساخت وظیفه معماران و شهرسازان است تا هویت ایرانی اسلامی شهر تهران پابرجا بماند.

پرسش‌های تحقیق

۱. آیا هویت ایرانی اسلامی شهر تهران در گذر زمان حفظ شده است؟
 ۲. مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی اسلامی شهر تهران کدامند؟
- فرضیه نخست:** به نظر می‌رسد با گذر زمان و با توجه به گسترش تفکر مدرن در بین جوامع، هویت ایرانی اسلامی شهر تهران نیز کم‌رنگ شده است.
- فرضیه دوم:** مؤلفه‌های هویت‌ساز اسلامی شهر و محل سکونت از طریق تذکره‌های موجود در متون دینی قابل استخراج است و مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی را با بررسی اصول ثابتی که در معماری و شهرسازی ایران به کار گرفته شده، می‌توان دریافت.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع کیفی است که با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و بررسی دیدگاه صاحب‌نظران در رابطه با مفهوم هویت صورت گرفته و پس از آن با بررسی عوامل هویت‌ساز ایرانی و اسلامی در معماری و شهرسازی ایران به تبیین روند تغییر هویت شهر تهران در طی زمان پرداخته شده است و در پایان نیز مقایسه‌ای بر مبنای ویژگی‌های ایرانی اسلامی بین دو بنای هویت‌ساز تهران (ساخته شده در فاصله زمانی نسبتاً کوتاه) به عنوان شاهدی بر مدعا آورده شده است.

تعریف مفاهیم

هویت در لغت‌نامه دهخدا به معنای تشخیص آورده شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۳۰۲). در فرهنگ معین هویت این‌گونه بیان می‌شود: (۱) ذات باری تعالی؛ (۲) هستی، وجود؛ (۳) آنچه موجب شناسایی شخص بشود (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸).

آن‌گونه که پیداست آنچه سبب تمایز فرد از دیگری می‌شود معنای اصلی هویت را

تشکیل می‌دهد؛ لذا هویت در خلأ مطرح نمی‌شود و در مقایسه با غیر است که معنی می‌یابد.

وودوارد نیز تعبیر مشابهی دارد: «هویت از طریق تشابه معین می‌شود؛ یعنی از طریق تشابه با انسان‌هایی مثل ما و از طریق تفاوت با آنهایی که مثل ما نیستند» (وودوارد، ۲۰۰۰: ۷).

در حوزه معنایی خاص نیز مثلاً در جامعه‌شناسی، هویت به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد و گروه‌های اجتماعی، از جایگاه مهمی برخوردار است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۳-۸۲). از آنجا که هویت عامل شناسایی فرد از افراد یا گروه از گروه‌ها به حساب می‌آید، نیازمند درک دو معنای متضاد است: شباهت و تفاوت. این دو مفهوم پوشیده در هویت را می‌توان با عبارت «تمایز از غیر و تشابه با خودی» بیان کرد (دانش‌پور، ۱۳۷۹: ۵۵). به‌طور کلی زمانی هویت مطرح می‌شود که فرد یا چیز با «غیر» مقایسه شود. تا زمانی که همه‌چیز مطابق گذشته است و مقایسه‌ای صورت نگرفته، احساس تفاوت و اختلاف پیدا نمی‌شود. بدین طریق هنگامی می‌توانیم چیزی را با هویت خطاب کنیم که از طریق برخی صفات تمایز خود را از غیر و تشابه خود را با خویش‌نشان دهد و بدین‌گونه زمانی صفت بی‌هویت به چیزی اطلاق می‌شود که بیگانه از خود و مشابه غیر شود.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که آیا ویژگی‌ها و صفاتی که بیانگر وجود هویت برای یک چیز هستند، طی زمان ثابت می‌مانند یا دستخوش تغییرات می‌شوند؟ مشاهده طبیعت و موجودان آن نشان می‌دهد که همه‌چیز هر لحظه نو شده و متحول می‌شود بدون آنکه ماهیت خود را از دست بدهد (رحیم‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۶۱)؛ لذا در مفهوم هویت در عین تحول مهم این است که هر مکانی ضمن هرگونه تغییر، ماهیت خود را حفظ کند و به‌رغم همه تغییرها و دگرگشت‌ها حافظ صفاتی باشد که آن را بی‌شباهت به غیر و مشابه خود نگه دارد.

در این مقاله برای بررسی هویت ایرانی اسلامی شهر تهران مبنای مقایسه را دو بازه زمانی انتخاب کرده‌ایم: دوران سنت و دوران معاصر. بررسی وجود یا فقدان صفات یا ویژگی‌های ایرانی اسلامی در هر دوره می‌تواند ما را به واجد هویت بودن یا بی‌هویتی تهران در هر زمان رهنمون شود؛ بدین‌گونه که اگر ویژگی‌های ناشی از ایرانی و اسلامی بودن بتواند به تهران شخصیتی ببخشد که متمایز از غیر باشد و مشابه خویش، آنگاه می‌توانیم تهران را واجد هویت ایرانی اسلامی معرفی کنیم. بیان این نکته حائز اهمیت

است که در بررسی هویت ایرانی اسلامی تهران، ویژگی‌هایی که در دوره سنت و معاصر به تهران هویت ایرانی اسلامی می‌بخشند می‌توانند دستخوش تغییرات شوند و بنا به مقتضیات زمانه تغییر کنند اما این تغییر باید به گونه‌ای باشد که آن را مشابه غیر و بیگانه با خویش نکند و فقط در این حالت است که در عین تحول، هویت ایرانی اسلامی حفظ می‌شود.

پیش از بیان هر نکته‌ای پیرامون شهر تهران باید مفهوم هویت شهری را از نقطه نظر معماران و شهرسازان و مؤلفه‌های هویت‌ساز یک شهر را بررسی کرد.

چهارچوب نظری

هویت شهر از دیدگاه معماران و شهرسازان

والتر بور معتقد است هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که موجب بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دلبستگی محیط را به وجود می‌آورد. کالن بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیط‌ها تأکید دارد. او هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری از طریق به جلوه درآوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند. از نظر راپاپورت، هویت قابلیت تمییز و تشخیص عنصری از عنصر دیگر است (قطبی، ۱۳۸۷: ۷۹). جهان‌شاه پاکزاد، مفهوم هویت از دیدگاه معماری و شهرسازی را دو بخش مکمل هم می‌داند: نخست ایجاد خاطره و تداعی در شخص و بدین‌رو تشخیص هویت فرایندی قیاسی بین عینیتی موجود با داده‌هایی از آن در ذهن است (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۱).

هر شهر در قالب اجزا و نظام‌های خود (اجتماع، فرهنگ، کالبد) از ویژگی‌هایی برخوردار است که هویت آن را تعیین می‌کند. محتوای شخصیتی شهرها با ویژگی‌های طبیعی، محل استقرار آنها، قالب، شکل‌بندی، فضا‌بندی، اجزای سیستمی عناصر کالبدی و ساختار مصنوع آنها به مثابه کالبد شهر، ویژگی‌های انسانی پیچیده شهروندان آنها به مثابه جامعه و فرهنگ شهر، در هم بافته شده است.

هویت فرهنگی: فرهنگ به معنای نگرش‌ها، باورها، آداب و رسوم و سنت‌های هر جامعه‌ای است (کلاین برگ، ۱۳۵۵، ج ۲: ۴۰۷). آداب و رسوم و تفکرات مردم هر شهر بر روی شکل‌گیری فضا‌های شهری و معماری و به طور غیرمستقیم بر ایجاد تشابه محیط‌های شهری با خود و تمایز از غیر (هویت) تأثیر می‌گذارد.

هویت کالبدی: از دیگر عوامل هویت‌ساز، کالبد است که تأثیر آن بر هویت تا

اندازه‌ای است که از آن به عنوان هویت کالبدی یاد می‌شود. به طور کلی هویت کالبدی به معنای تفاوت و تمایز کالبدی محیط مصنوع از دیگر محیط‌ها و شباهت با خودش است؛ ویژگی‌هایی که در عین تحول و تکامل طی زمان در نهایت به پیدایش یک کل منجر می‌شود و جسم شهر را از غیر، متمایز می‌کند. این کالبد متشکل از تمام فضاهای شهری و ساختمان‌هایی است که چشم‌انداز کلی شهر را توصیف می‌کنند.

هویت ایرانی اسلامی شهر تهران در گذر زمان

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، برای نیل به این هدف که آیا تهران در گذر از دوره سنت به معاصر هویت ایرانی اسلامی خود را حفظ کرده یا نه باید مؤلفه‌های هویت‌ساز آن یعنی ویژگی‌هایی را که سبب می‌شود تهران را ایرانی یا اسلامی بنامیم، در این دوره بررسی می‌شود. در هر دوره اگر این مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی و اسلامی باعث شود تهران بی‌شباهت به غیر و مشابه خویشتن باشد، بنا به تعریف هویت، در آن برهه هویت خود را حفظ کرده، در غیر این صورت هویت ایرانی اسلامی خود را از دست داده است.

هویت فرهنگی تهران در گذر زمان

همان‌طور که پیشتر گفته شد، تشخیص هویت بر مبنای مقایسه است، لذا به مقایسه شرایط فرهنگی این دو دوره می‌پردازیم.

تهران دوره گذشته متشکل از افرادی بود که به‌واقع زاده و بزرگ‌شده تهران بودند. آداب و رسوم این افراد متفاوت بود از آنچه در سایر شهرها می‌شد؛ لذا فرهنگ تهران متفاوت از سایر شهرها بود. اما به مرور زمان و چنان‌که امروزه با آن مواجه هستیم، تهران شهر بیگانه‌ها شده است. مهاجرت بسیاری از افراد از شهرستان‌ها با تفکرات و آداب و رسوم خاص آنها به تهران سبب شده که مانند آئینه‌ای تصویر کل کشور را در خود منعکس سازد (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۵). تهران امروز شهری است که افراد - مختلفی را که در ایران پهناور به چشم می‌خورد در خود دارد و هویت جمعی برخی از آنان هویت ناپایدار است. انتقال فرهنگ غربی و ماهیت زندگی مدرن که این روزها بر برخی از ساکنان تهران سایه افکنده، پیامد و عوارض ناگواری داشته چراکه رفته‌رفته تفکرات و آداب و رسوم آنها را تحت تأثیر قرار داده و از این‌رو برخی تهرانی‌ها را با آنچه بودند بیگانه می‌بینیم.

هویت اجتماعی تهران در گذر زمان

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هویت اجتماعی شهر تهران آثار ناشی از مهاجرت، جهانی‌شدن بازارها و مبادله وسیع کالاهای فرهنگی است که تأثیر عمیقی بر تغییر ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی داشته است. یکی از این تأثیرات، ایجاد حس جدید هویت است. موازی با همزیستی افراد مختلف شهری در جامعه مدرن امروزی، شهرهای بزرگ مظهر معیارها و ارزش‌های نامشخص و ناهمگون می‌شوند؛ در نتیجه نوعی از هویت جدید حاصل از مدرنیته در اذهان مهاجران شکل می‌گیرد. از سویی همان‌طور که ویگوتسکی بیان می‌دارد زبان نه فقط واسط ارتباط بیرونی بلکه واسط ارتباط درونی نیز هست که انسان‌ها برای اندیشیدن و بازنمایی و سازماندهی دنیای بیرونی خود از آن استفاده می‌کنند. زبان به عنوان نظام نمادها در قلب زندگی اجتماعی هر انسانی و نیز در قلب تکامل اجتماعی و فرهنگی جای دارد در نتیجه، وجود افراد با زبان‌های گوناگون موجب پیدایش تفاوت‌های فرهنگی در جامعه شهر می‌شود (مدنی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۰).

هویت کالبدی شهر تهران در گذر زمان

مهم‌ترین بخش این مقاله بررسی هویت کالبدی شهر تهران است چراکه بخش عمده آن مربوط به کار معماری و شهرسازی است. کالبد شهر تهران متشکل از مؤلفه‌های طبیعی و مصنوع است که طی زمان شکل گرفته است. مؤلفه‌های طبیعی تهران شامل ویژگی‌های کلان، محل استقرار شهر، شهرک‌های اطراف و موقعیت خاص آنها (مسکونی، صنفی و...) متغیرهای ساختاری همچون رودخانه، کوه‌ها و... متغیرهای حوزه‌ای مشتمل بر قله‌های اطراف شهر، متغیرهای نقطه‌ای و خطی شامل گسل‌ها و لایه‌ها و... ترکیب متغیرهای طبیعی و مصنوعی شامل رودخانه‌ها و مسیل‌های داخل شهر است (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۷۳). مؤلفه‌های مصنوع تهران شامل منظر عمومی، عناصر خطی مثل محورهای شرقی، غربی، شمالی و جنوبی با ذکر عناوین و ویژگی‌های بافت و معماری اطراف محور، شاخص‌های کانونی و نقطه‌ای مثل میدان‌ها، تقاطع‌ها، بازارها، مجتمع‌های تجاری داخل شهر که هرکدام بنا به نوع و محل قرارگیری وجه تسمیه خاصی دارند؛ شاخص‌های خطی و نقطه‌ای و تاریخی و کالبدی مثل برج‌ها (آزادی، میلاد و...)؛ مکان‌های تاریخی از جمله کاخ‌ها و باغ‌ها (گلستان، سعدآباد و...)؛ تک‌بناهای شاخص مثل سفارت انگلیس، سردر باغ ملی، توده‌ها، حوزه‌ها و فضاهای شاخص شهر مثل شهرک‌های قدس، اکباتان، محله‌های شهر و... است (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۹۵).

همان‌طور که مشاهده شد هویت کالبدی شهر تهران در بخشی که به عناصر مصنوع مرتبط است شامل عناصر سازنده شهر مثل میدان‌ها، شریان‌ها، تقاطع محورها و نیز عناصر معماری مانند مکان‌های تاریخی، تک‌بناهای شاخص، شهرک‌ها و... می‌شود. حال باید دید مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی اسلامی که در شکل‌گیری این عناصر نقش داشته‌اند در گذر زمان چه تغییری کرده‌اند؟ آیا ویژگی‌هایی که رنگ ایرانی اسلامی بر پیکره شهر تهران زده بود در گذر زمان پابرجا مانده یا تهران با اخذ ویژگی‌هایی، رو به تغییرات هویتی پیش رفته است؟

یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی اسلامی شهر تهران

منظور از مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی اسلامی، ویژگی‌هایی است که به سبب آنها شهر تهران متفاوت از سایر شهرها و مشابه با خود بوده است. در ذیل پاره‌ای از ویژگی‌ها و بایدهایی که به شهر تهران هویتی ایرانی اسلامی می‌بخشد، آورده شده است. هم‌چنین به بررسی این امر می‌پردازیم که این مؤلفه‌های هویت‌ساز در دوران سنت و معاصر چگونه در تهران تجلی یافته و طی زمان دستخوش چه تغییراتی شده‌اند؟ آیا وجود آنها به تهران هویت می‌بخشد یا با از دست دادن آنها دچار بی‌هویتی می‌شود؟

اسلام برای کوچک‌ترین ابعاد زندگی انسان باید و نبایدهایی مطرح کرده تا حقوق انسانی پاس داشته شود. بسیاری از این مسائل در حوزه معماری و شهرسازی مطرح شده تا محیط زندگی انسان متناسب با نیازهای جسمی و روحی او باشد. معماران و شهرسازان اسلامی با استناد به متون دینی اصولی را در رابطه با چگونگی ساخت شهر و محل سکونت استخراج کرده و از آن در ساخت شهر و کاشانه خود بهره‌جسته‌اند. از طرفی معماران و شهرسازان ایرانی بنا به فرهنگ خود به اصولی در طرح و ساخت رسیدند که مشخصه ایرانی بودن طرح‌ها بود. در ذیل به پاره‌ای از این مؤلفه‌های هویت‌ساز اسلامی ایرانی اشاره می‌شود:

کاردکردگرایی و داشتن منطق کاربردی برای همه عناصر، فضاها، کالبدها و پرهیز از بیهودگی؛ چندگانگی در کاربرد؛ اهداف زیبایی‌شناسانه؛ نوآوری، ابتکار و عدم تقلید از غیر مسلمانان؛ ارزش‌گذاری متفاوت برای فضاهای شهری؛ رعایت حریم‌های فردی و خانوادگی، عدم مشرف بودن واحدهای همجوار به یکدیگر؛ پیشگیری از هر نوع مزاحمت همجواری؛ رعایت ارتفاع مناسب برای واحدهای مسکونی؛ اجتناب از

اسراف، ساخت عناصر بیهوده و تجمل و خودنمایی؛ هم‌آوایی بدنه‌ها با هندسه فضاهای عبوری و راه‌ها و نهرها و...؛ تشخیص بخشیدن به خانه‌ها با ایجاد سردرهای زیبا و سایه‌اندازها و زینت بخشیدن به آنها با نام و یاد خدا؛ ضرورت ایجاد نور و روشنایی کافی در خانه‌ها و جهت‌گیری مناسب اقلیمی آنها؛ ضرورت ارتباط انسان با طبیعت در خانه؛ ایجاد آرامش و سکون مناسب در مقابل سایر فضاهای شهری که پُرازدحام هستند؛ توجه به اصل وحدت در کثرت در ساخت فضاهای شهری و شهر؛ تعلق به هویت جمعی و پایدار و نه فردگرایی؛ رعایت حقوق همسایه؛ بهره‌گیری از روش‌های کهن ساخت‌وساز، عناصر سازه‌ای ایرانی و اسلامی (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۱۵۱، ۶۱۷).

مفهوم هویت در دوران سنت به صورت امروزی مطرح نبود چراکه بی‌شک مورد شک و پرسش قرار نگرفته بود. در نگاه انسان سنتی مبدایی در جهان وجود دارد که منشأ کمال، پاکی ازلی و تمامیتی است که بشر می‌خواهد. لذا در زندگی، اعمال و اندیشه‌های رو به سوی آن مرکز دارد (نصر، ۱۳۸۰: ۱۴۰). انسان سنتی در پی تبعیت از اصولی بود که از سوی فرستادگان برگزیده ابلاغ شده بود. هویت برای انسان سنتی همان ویژگی‌هایی است که به مدد ایمان به غیب در او شکل می‌گیرد و در چنین جامعه‌ای به صورت واحد و الهی متبلور می‌شود. لذا انتظار می‌رود این باورها و اعتقادات ثابت بر پایه اصولی الهی بر معماری و شهرسازی نیز تأثیر ژرف خود را داشته و ظهور یافته باشند (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۹).

اصول ثابتی که باورها و اندیشه‌هایش و امدار آن بودند دچار تغییر می‌شود. تکیه بر خردگرایی و عقل‌مداری محض سبب می‌شود نیازهای عاطفی معنوی و روحی انسان نادیده گرفته شود و کیفیت زیست به بن‌بست برسد. در ایران نیز انتقال معماری روز اروپا و امریکای شمالی پیامدها و عوارض ناگواری در پی داشته است. انسان در تهران امروز زندگی می‌کند درحالی که به علت افزایش ارتباطات با جوامع مدرن بسیار تحت تأثیر باورها و ارزش‌های معاصر قرار گرفته است؛ احداث خیابان‌ها، بلوارها، پهنه‌های شهری و محله‌ها که از عناصر تشکیل‌دهنده کالبد مصنوع شهرها شکل گرفته و وجه تسمیه آنان در گذر زمان نشان از شرایط اجتماعی مردم آن محلات داشته است. شهر سنتی مجموعه‌ای از بناهایی است که تحت سیطره بینش سنتی، آداب و رسوم و متأثر از محدودیت‌های اقلیمی و فنی شکل گرفته و لذا دارای وحدت و هم‌آوایی است. همین نظم و خوانایی در شهرها و نوع قرارگیری بناها در کنار یکدیگر سبب شده آنچه به دیده می‌آید معماری ما باشد نه من! (حجت، ۱۳۸۴: ۵۹).

شهر سنتی بافت پرمایه‌ای است از صور با انسجام شهری که در معنای عمیقی، وحدت در کثرت را در خود متبلور می‌سازد. این اصل که از اصول زیربنایی معماری و شهرسازی ایرانی و برگرفته از اصل اعتقادی اسلام «توحید» است، به نحو چشم‌گیری در تهران دوره سنت قابل مشاهده است. اما کل شکل گرفته امروز تهران حاصل میلیون‌ها ساختمان‌سازی است که تبلور کالبدی آن «کیفیت بی‌نام است. چشم‌انداز کلی تهران امروز که متشکل از عناصر اصلی شهری نظیر میادین، شریان‌ها و... است، یادآور همان موزاییک هزارتکه‌ای است که نه هرکدام از قطعه‌ها واجد ویژگی بی‌مانندی است و نه در کل وحدتی از کنار هم قرار گرفتن قطعه‌ها به چشم می‌خورد.

در دوران سنت میدان به عنوان یکی از عناصر مهم شهری مکانی برای جمع شدن و گرد هم آوردن افراد جامعه بوده، مکانی که باعث ایجاد خاطره جمعی می‌شده است. چنان‌که بسیاری از ما هنوز هم خاطره‌ای مانا از میدان نقش جهان در ذهن خود داریم و هر فرد ناآشنا به ایران و فرهنگ ایرانی نیز می‌تواند جلوه‌ای از فرهنگ و هنر ناب این سرزمین را در آن به وضوح ببیند.

در تهران معاصر میدان برخلاف کارکرد گذشته خود که در راستای هویت جمعی بود، صرفاً به مکانی برای گردش اتومبیل بدل می‌شود. کمتر فردی در تهران امروز خاطره‌ای پایدار از میادین شهری در ذهن خود دارد جز گذار پر سرعت از کنار آن. در میادین تهران امروز، جلوه ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی اسلامی کمرنگ شده و طی زمان میادین نه تنها ویژگی اصیل خود را از دست داده‌اند بلکه هیچ ویژگی خاص دیگری در شکل‌گیری آنها نقش نداشت که به عنوان عناصر هویت‌ساز از آنها یاد شود.

اهداف زیبایی‌شناسانه از دیگر بایدهای مطرح در آموزه‌های اسلامی است که تأثیر آن در دوران سنت به خوبی مشهود بود. زیباسازی نمای ساختمان‌ها با استفاده از عناصر ساده‌ای که رایج بود و امکان ساخت آن برای همگان میسر بود، انجام می‌شد و کمتر نشانی از اسراف، ساخت عناصر بیهوده و تجمل‌گرایی در آنها به چشم می‌خورد. عناصر زیبایی‌شناسانه عناصری بودند که گویی توسط معماری هزارساله طرح شده بود. استفاده از این عناصر که همواره رنگی از اسلامی و ایرانی بودن داشتند در اکثر نقاط شهر به چشم می‌خورد و انسجام بصری شهر را حفظ می‌کرد. در تهران امروز در زیباسازی شهر کمتر از عناصر اسلامی ایرانی بهره گرفته شده است، نه به شکل سنتی آن و نه به شکل دیگری که نشان‌دهنده نوآوری ایرانیان مسلمان در عصر حاضر باشد. در تهران امروز نمای ساختمان‌ها که به لحاظ بصری پیکره شهر را شکل می‌دهند، برخلاف

گذشته، هرکدام بنا به مقتضیات مادی از عناصر زیبایی بهره گرفته‌اند. در جایی که افراد از تمکن مالی برخوردار بوده‌اند نمای ساختمان اهداف زیبایی‌شناسانه را مد نظر قرار می‌دهد و در جایی دیگر این هدف فدای سودجویی‌های مادی می‌شود.

معمار فردگرایی امروزی به‌رغم رعایت ضوابط تعیین‌شده در تلاش است بتواند شخصیت و هویت خود را به هر طریق ممکن در شکل ظاهری بنا نشان دهد و از همسانی با همسایگان بپرهیزد (حجت، ۱۳۸۴: ۶۰).

در موارد مشابه بسیاری که قطعاً در قالب این مقاله نمی‌گنجد می‌توان این تغییرات را مشاهده کرد، تغییراتی که رنگ و بوی ایرانی اسلامی ندارد و نشان از بیگانگی تهران با خود اسلامی ایرانی‌اش است. حال به عنوان پایانی بر این نوشتار به مقایسه دو عنصر شهری می‌پردازیم:

هویت خرد در شهر تهران

در درستی این امر که آیا یک بنا می‌تواند نمادی از هویت کل شهر باشد جای تردید است. اما بناهایی چون برج‌ها که در گذر زمان به نماد یک شهر تبدیل می‌شوند و در عرصه‌های بین‌المللی رخ می‌نمایند، نقش اساسی در معرفی هویت شهر ایفا می‌کنند ازین‌رو در پایان این مقاله برای مشاهده روند تغییر هویتی شهر تهران در گذر زمان به مقایسه دو برج آزادی و برج میلاد می‌پردازیم. این دو بنا در فاصله نه چندان دور از هم ساخته شده‌اند اما در دو برهه زمانی هر دو به سرعت به نماد شهر تهران بدل شده‌اند و نیز در طی این سال‌ها تهران تحولات عمیقی بر خود دیده است که قطعاً این دگرگونی‌ها که بیشتر نیز بدان‌ها اشاره شد، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری آنها داشته است لذا امکان درک تغییرات هویتی با قیاس این دو بنا بهتر امکان‌پذیر می‌شود.

برج آزادی

میدان آزادی مجموعه‌ای است متشکل از ساختمان یادبود آزادی، فضای سبز مرکز و حاشیه میدان که محل عبور خودروها می‌باشد. برج آزادی در ایران، نمونه‌ای از نماد شهری است که معماری شاخص آن، تلفیق طاق‌های معماری پیش از اسلام (دوره هخامنشیان و ساسانیان) و بعد از اسلام می‌باشد این ویژگی‌ها سبب تبدیل آن به نمادی زیبا به لحاظ معماری و شهرسازی در تهران شده است. این بنا استعاره‌ایست از یک دروازه که به لحاظ معماری معرف دوران پیش و پس از اسلام تمدن ایرانی است، از جانب شرق ورود به پایتخت را نوید می‌دهد و از سوی غرب پنجره‌ای گشوده به سوی

غرب، که همجواری برج آزادی و فرودگاه مهرآباد به عنوان مهم‌ترین حلقه اتصال ایران و غرب موید این موضوع است.

این بنای ۳ طبقه، ۴ آسانسور و دو راه پله و ۲۸۶ پلکان دارد. طول این بنا ۶۳ متر و ارتفاع آن از سطح زمین ۴۵ متر و ارتفاع از کف موزه ۵ متر است.

گنبد تراشیده شده و پوشاننده بام ملهم از ساختمان‌های ایرانی دوره اسلامی می‌باشد. در واقع در این بنا از قوس به عنوان سازه‌ای باربر به صورت استعاره‌ای استفاده شده است، به گونه‌ای که وجود این عنصر سازه‌ای باربر قدیمی از دید مردم عادی قابل شناسایی نیست در این طرح معمار حتی به جزئیات اجرای سنگ نحوه چیدن سنگ‌های نما دقت وافری داشته است تا در نهایت کل طرح به کل واحدی تبدیل گردد.

فواره‌ها فضای باز و مکان‌های نشستن درون میدان الهام گرفته از باغ‌های تاریخی ایران هستند. امکان استفاده از موزه، توجه به نیازهای رفتاری مردم به کارگیری درخت و ایجاد سایه در داخل میدان، سکوها و محل مناسب نشستن، حوض آب و سایر امکانات، فضایی مناسب را برای توقف و گفت‌وگو ایجاد کرده است چیزی که امروزه در طرح سایر میادین کمتر به چشم می‌خورد. کاربردی بودن این میدان به لحاظ استفاده برای پیاده، سواره و جنبه نمادینش آن را از سایر میادین ممتاز می‌کند. برج آزادی به دلیل منتهی شدن به محورهای بصری و ترافیکی فراوان و ارتفاع زیاد، از فواصل دور نیز قابل رویت است. در واقع وجه تمایز میدان آزادی با سایر فلکه‌ها و میادین موجود در کشور وجود چنین بنای نمادینی در مرکز آن است.

به لحاظ کاربردی در ابتدا به عنوان فضای تشریفاتی به منظور استقبال از میهمانان عالی رتبه خارجی طراحی و ساخته شد (پارسا، ۱۳۷۶: ۵۷). علی‌رغم طراحی میدان آزادی به عنوان یک میدان تشریفاتی، وقوع حوادث سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ در زمان انقلاب اسلامی، آن را به اصلی‌ترین محل تعاملات اجتماعی و ابراز دیدگاه‌ها و عقاید مردم تبدیل کرد. بعد از پیروزی انقلاب، انجام مراسم مختلف مانند گردهمایی ملی به مناسبت‌های مختلف فضای میدان را به خاطره‌ای ملی تبدیل کرده است و باعث ایجاد تصویر ذهنی در شهروندان شده است. این همان امری است که در هویت‌بخشی به بنای آزادی بسیار تأثیرگذار بوده است (پارسا، ۱۳۷۶: ۵۸).

معماری برج آزادی تهران تقلیدی نیست و ایرانیت، کالبد این برج و اسلامیت، تزئین برج آزادی است. رسوخ این عنصر در خاطره جمعی، امکان جایگزینی آن با هر بنا و مجموعه دیگری را دشوار و بلکه ناممکن ساخته است و این‌گونه است که امروزه

ساختمان آزادی به عنوان یکی از نشانه‌های شناخته شده معماری ایران در جهان، به نمادی از هویت ایرانی اسلامی شهر تهران بدل شده است.

برج میلاد

از اصلی‌ترین اهداف احداث برج میلاد، ساخت بنایی بود که بتواند نماد شهر تهران باشد. اگرچه که شاید احداث تنها یک بنا که بتواند به نمادی از یک شهر بدل شود چندان منطقی به نظر نرسد اما در بسیاری از شهرها و بناها این امر محقق شده است، نظیر برج ایفل در فرانسه، برج‌های پترناس در مالزی و ساختمان ایمپیراستیت در آمریکا. با وجود ساختمان‌ها و بناهای دیگر همچون برج آزادی و پیشرفت امکانات ساخت و ساز، برج میلاد می‌بایست نشانی از هویت جدید مهندسی و فناوری کشور نیز باشد. طراح برج میلاد، معماری داخلی برج میلاد را الهام گرفته از معماری ایرانی می‌داند و می‌گوید: «معماری بنای برج با الهام از میل‌ها و مناره‌های باستانی ایران ساخته شده است و هندسه‌ای برگرفته از نقوش معماری ناب ایرانی دارد» (سیفی، ۱۳۸۶: ۸). اما آیا برای نمادین بودن یک بنا توجه صرف به فضای داخلی کافیهست؟ چگونه برج میلاد می‌تواند نمادی از ایرانی اسلامی بودن تهران باشد در حالی که جداره‌های بتنی و شیشه‌ای آن، بدون اثری از آثار هنرمندان ایرانی یا ابتکاری در شیوه ساخت، ما را به یاد برج‌های مشابه آن در مسکو، تورنتو و... می‌اندازد و نیز در حالی که ویژگی منحصر به فردی که از باورهای ایرانی اسلامی نشأت گرفته باشد و بتواند خود را متمایز از سایر برج‌ها در شهرهای دیگر به عنوان نمادی از پایتخت ایران اسلامی معرفی کند، در این بنا به چشم نمی‌آید.

با توجه به تعریف هویت یکی از مهم‌ترین مسائل تشابه به خود و بیگانگی با غیر می‌باشد برج میلاد در کالبد و به لحاظ زیبایی‌شناسی بویی از ایرانی بودن نبرده است و به علاوه یکی از اصول هویت‌ساز اسلامی که نوآوری و عدم تقلید از غیر مسلمانان می‌باشد نیز در ساخت آن نادیده گرفته شده است لذا با این اوصاف برج میلاد را تنها می‌توان به عنوان نمادی از اقتدار و عزم ملی (آن هم به دلیل همه ویژگی‌های تکنولوژیک و فنی و مهندسی آن) پذیرفت (سیفی، ۱۳۸۶: ۸).

نتیجه‌گیری

در تهران دوره گذشته، وحدت در عین کثرت در فضاهای شهری و پیکره شهر، رعایت حقوق شهروندان در فضاهای شهری، محرمیت، نوآوری و عدم تقلید از غیر مسلمانان، استفاده از عناصر و مصالحی متناسب با اقلیم و... چشم‌انداز کلی آن را از سایر شهرها متمایز می‌کرد و شکل ویژه‌ای بدان می‌بخشید، بدین جهت می‌توان آن را صاحب هویت دانست. اما با گذشت زمان و با گسترش تفکر مدرن اصول ثابتی که شکل کلی شهر را می‌ساخت زیر سؤال رفت. افزایش جمعیت، گسترش ارتباطات بین جوامع، پیشرفت امکانات ساخت و... سبب شکل‌گیری نوع دیگری از معماری و شهرسازی شد. از آنجاکه این تغییر با کم‌رنگ شدن ویژگی‌های ایرانی اسلامی و همگامی با جریان معماری و شهرسازی دیگر شهرها همراه بود، نوعی گسست هویتی را برای تهران به همراه داشت.

نادیده گرفتن اصول اسلامی مطرح در مورد ساخت شهر و مسکن به دلیل سودجویی‌های مادی، افزایش جمعیت و مهاجرت افراد مختلف به تهران، بی‌توجهی به فرهنگ و باورهای ایرانی و اسلامی... نوعی بیگانگی و عدم تشابه به خود را در تهران سبب شد. آنچه در تهران امروز شاهد هستیم گم شدن در هیاهوی شهر هزارتکه‌ای است که تنها آجر بناهای کهن‌اش، یادگار هویت مدنی دیرینه ماست؛ شهری که در آن هجوم بی‌ضابطه انواع و اقسام تابلوهای تبلیغاتی، ساختمان‌های بلند و کوتاه و رنگارنگ، پیاده‌روهای ناموزون، بی‌توجهی به وحدت بصری عناصر شهری و... همه و همه دست در دست هم، معماری فضای عمومی شهر را به سمت یک نوع فضای التقاطی و بی‌نظم سوق داده‌اند. اما درک این موضوع و قبول آن به عنوان یک معضل خود شروعی دوباره است؛ چنان‌که هم‌اکنون و بعد از این گسست هویتی در تهران بسیاری همت گماشته‌اند تا با طرح ضوابط و توجه به ویژگی‌های ایرانی اسلامی گامی در جهت از بین بردن این لجام گسیختگی و بازگرداندن هویت ایرانی اسلامی بردارند.

منابع

- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۷)؛ *هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)*، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- پارسا، محمد (۱۳۷۶)؛ *زمینه روان‌شناسی*، تهران: انتشارات بعثت، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۵)؛ «هویت و این‌همانی با فضا»، *مجله صفت*، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۱۰۶-۱۰۰.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴)؛ «هویت انسان‌ساز؛ انسان هویت‌پرداز»، *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۲۴، صص ۶۲-۵۵.
- دانشپور، سیدعبدالهادی (۱۳۷۹)؛ «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) نمونه موردی: تهران خیابان انقلاب»، *پایان‌نامه دکتری شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا*، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۴)؛ *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیفی، مونا (۱۳۸۶)؛ «هویت گمشده؛ نگاهی به ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی برج میلاد»، *نشریه کیهان*.
- قظبی، علی‌اکبر (۱۳۸۷)؛ «مفهوم هویت و معماری امروز ایران»، *مجله آینه‌خیال*، شماره ۱۰، صص ۸۳-۷۸.
- کلاین برگ، اتو، (۱۳۵۵)؛ *روان‌شناسی اجتماعی*، مترجم: علی محمد کاردان، جلد ۲، تهران: نشر اندیشه.
- کیان‌تاجبخش، یحیی (۱۳۸۰)؛ «منظر جدیدی برای تحقیق درباره مسائل شهری و ارتباط آن با شهرسازی در ایران»، *فصلنامه معماری و شهرسازی*، شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۴۰-۳۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۲)؛ «جامعه شهری»، ترجمه ش. رضایی، *فصلنامه شهر*، شماره ۲۶، صص ۳۱-۲۴.
- معین، محمد (۱۳۷۱)؛ *فرهنگ لغت فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۵)؛ *سیر اندیشه‌های معماری*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۰)؛ *معرفت و امر قدسی*، مترجم: فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر فروزان.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*، نشر وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: معاونت شهرسازی و معماری.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹)؛ «رابطه هویت، سنت، معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی»، *مجله هنرهای زیبا*، دوره هفتم، صص ۹۱-۷۹.
- Woodward, k. (2000); *Question of idenity in: Woodward , k (Ed); Questioning identity, gender, class, nation*, Routledge.

